

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۲۰ جون ۲۰۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

## غذا و خوراک امیر المؤمنین حضرت عمر

وضع خوراک امیر المؤمنین حضرت عمر (رض)، چنان بود که نیازمندترین شخص در آن زمان به خوردن خوراک ایشان رغبت نمی‌کرد!

حضرت ابو موسی اشعری (رض) در یک روایتی می‌فرمایند که غذای عمده امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) را سه نوع از غذا ها تشکیل می داد :

در برخی از اوقات نان را بر آن روغن زیتون می مالید و در برخی از اوقات برنان روغن گوسفند می مالید و گاهی همراه نان خشک شیر تازه را تناول می فرمودند ، و در برخی از اوقات گوشت خشک کوبیده جوش داده و به ندرت گوشت تازه می‌پخت (طبقات ابن سعد. )

می گویند: روزی چند نفر مهمان از جمله حضرت جریر بن عبدالله از عراق ، نزد حضرت عمر به مهمانی آمده بودند، ولی نتوانستند خوراک ایشان را بخورند.

خوراک حضرت عمر بی نهایت ساده بود ، سیرت نویسان می نویسند که : حتا سفیدی رویش به علت خوراک ناموافق به مزاجش ، رنگش را به خاکستری تبدیل کرده بود و شب ها در کوچه و خیابان ها گشت می‌کرد و از احوال و اوضاع مردم تفقد می کرد و به داد آنان می رسید. (اخذ شده از : داستان های شیرین تاریخی ابوالحسن ندوی (رحمة الله) ترجمه: عبدالله تیموری انتشارات سنت تایباد ۱۳۸۱)

همچنان مؤرخین می نویسند:

حضرت عمر در یکی از روز ها مصروف غذا خوردن بود که غلامش آمد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین ! عتبه بن ابی فرق برای ملاقات شما تشریف آورده، ایشان اجازه ورود می خواهند . او را اجازه ورود دادند، او سر دستر خوان آمد و شریک غذا با امیر المؤمنین شد ولی نتوانست به طور کامل غذا بخورد، زیرا غذای خوب و لذیذ نبود، آنگاه اظهار داشت: مگر ممکن نبود از آرد غریبیل شده نان پخته می گردید؟ حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: آیا این نوع غذا برای تمام مسلمانان ممکن است تهیه شود؟ وی گفت: البته همه مسلمانان شاید نتوانند تهیه کنند، حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: افسوس! شما می‌خواهید که من تمام لذت ها (و آرزوهای) خودم را در دنیا به اتمام برسانم. ( اخذ شده از : کتاب (حکایات صحابه یا حماسه سازان تاریخ)

حضرت عبدالله بن عمر روزی اندکی روغن در گوشت ریخت و آن را پخت.  
حضرت عمر (رض) از خوردن آن غذا امتناع ورزید و فرمود: من آنحضرت صلی الله علیه وسلم را دیده‌ام که هرگاه دو نوع خوراک نزد ایشان آورده می‌شد، یکی را می‌خورد و دیگری را به فقراء و مساکین می‌بخشید.

### معاش حضرت عمر امیر المؤمنین از بیت المال :

حضرت عمر رضی الله عنه قبل از امارت، پیشه تجارت داشت و زمانی که به حیث خلیفه مسلمانان انتخاب گردید، برای او از بیت المال معاشی تعیین نمودند. او مردم را در مدینه گرد آورد و خطاب به آنان گفت: «من کار تجارت می‌کردم و حالا شما مرا مشغول نمودید، اکنون بگوئید چگونه امرار معاش کنم؟» مردم در تعیین مقدار معاش مستمری پیشنهادهای مختلفی ارائه کردند، حضرت علی رضی الله عنه نیز در آنجا حضور داشت و ساکت نشسته بود. حضرت عمر خطاب رضی الله عنه به وی گفت: نظر شما چیست؟ او اظهار داشت: آنچه به طور متوسط برای هزینه و مصارف و مخارج شما و خانواده‌تان کافی است، همان تعیین شود. حضرت عمر رضی الله عنه این نظر را پسندید و پذیرفت و مقدار متوسط تعیین شد.

یک بار در جلسه‌ای که حضرت علی، حضرت عثمان، حضرت طلحه و حضرت زبیر رضی الله عنهم حضور داشتند، این بحث مطرح شد که معاش حضرت عمر رضی الله عنه از بیت المال افزایش یابد تا در تنگنا و حرج نباشد، ولی نتوانستند این پیشنهاد را به محضر حضرت عمر رضی الله عنه عرضه نمایند.

لذا نزد ام‌المؤمنین حضرت حفصه رضی الله عنها دختر ایشان رفتند و از طریق وی نظر حضرت عمر رضی الله عنه را جویا شدند و این را هم توصیه کردند که به حضرت عمر رضی الله عنه گفته نشود که این پیشنهاد را چه کسانی مطرح کرده اند. حفصه رضی الله عنها نزد حضرت عمر رضی الله عنه رفت و مسأله را با وی در میان گذاشت، از طرح این موضوع آثار خشم بر چهره حضرت عمر رضی الله عنه نمایان شد و اظهار داشت: این پیشنهاد را چه کسانی مطرح کرده اند؟ حفصه رضی الله عنها گفت: اول باید نظر شما معلوم شود، حضرت عمر رضی الله عنه گفت: اگر این افراد برایم معلوم می‌بودند، چنان تنبیه می‌شدند که چهره‌هایشان متغیر می‌شد، یعنی آثار تنبیه بر چهره‌هایشان باقی می‌ماند، آنگاه خطاب به حفصه گفت: تو بگو بهترین لباس پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در خانه تو چه بود؟ وی گفت: دو تکه لباس رنگی که آن حضرت صلی الله علیه وسلم روزهای جمعه و یا هنگام ملاقات، با وفود و هیأت‌های نمایندگی می‌پوشیدند.

سپس فرمود: بهترین غذای آن حضرت صلی الله علیه وسلم در خانه تو چه بود؟ وی گفت: نان جو، و ما یک بار مقداری روغن روی نان گرم جو ریختیم و آن حضرت صلی الله علیه وسلم با اشتها و مزه خاصی آن را تناول فرمودند و به دیگران هم دادند. باز اظهار داشت: بهترین بستری که آن حضرت صلی الله علیه وسلم بر آن می‌خوابید چه بود؟ وی گفت: پارچه کلفتی که در تابستان زیرانداز می‌کردیم و در زمستان نصف آن را پهن و نصف دیگر را روی خود قرار می‌دادیم، آنگاه خطاب به حفصه رضی الله عنها فرمود: ای حفصه! به آنان بگو که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با طرز عمل خود الگو و روشی را تعیین و مقرر فرمودند و بر امید آخرت بسنده کردند.

من نیز از ایشان پیروی می‌کنم، مثال من و دو رفیق و یار من، (پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه) مانند آن سه نفری است که به یک راه رفته باشند، نفر اول با توشه سفر به مقصد رسید و نفر دوم با پیروی از نفر اول بر همان راه رفت و به یار خود ملحق شد.

آنگاه نفر سوم شروع به حرکت کرده و اگر او بر روش یار پیشین خود بر راه آنها برود، به آنان ملحق خواهد شد و اگر خلاف راه و روش آنان برود، هرگز به آنان نخواهد رسید).

این حال کسی است که فرمانروایان بزرگ جهان از وی هراس داشتند و نام و یاد او لرزه بر اندام آنان می‌انداخت، ببینیم چه زندگی زاهدانه‌ای داشتند؛ یک بار ایشان خطبه ایراد می‌فرمود، مشاهده شد که بر تنبان ایشان دوازده قطعه پیوند زده شده است که یکی از آنها پیوند چرمی بود، یک بار برای نماز جمعه دیر آمد و معذرت‌خواهی کرد و علت تأخیر را نیز گفت: که لباس‌هایم را شسته بودم و دیگر لباسی نبود که بپوشم).

عبدالرحمان بن نجیح می‌گوید:

در یکی از روز ها به خانه حضرت عمر (رض) رفتم دیدم مشغول دوشیدن ماده شتر خویش بود .

همچنان مؤرخین می نویسند :

در یکی از روز ها خادم امیر المؤمنین رفت که شتر وی را بدوشد ، دید که چوپه شترش شیر مادرش را چوشیده ، غلام ناچار شد تا شیرهای یکی از شتران بیت المال را بدوشد و به حضرت عمر بیاورد .

حضرت عمر (رض) بعد از این که شیر را نوشید، گفت: این شیر را از کجا آوردی؟ (حضرت عمر طعم شیر شتر خود را می شناخت). خادم گفت : شیر یکی از شتران بیت المال است.

حضرت عمر (رض) برایش گفت: وای بر تو به من شعله آتش دادی تا بنوشم؟ سپس در نماز جماعت حلال بودن این شیر از مسلمان خواست .

مؤرخین می گویند امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) در یکی از روز ها سخت مریض شد، اطباء توصیه خوردن عسل را برایش نمودند ، اما او در خانه عسلی نداشت تا از آن بخورد. جز این که در بیت المال عسل وجود داشت و حضرت عمر (رض) ناچار روی منبر رفت و به مردم گفت: من مریض هستم و اطباء خوردن عسل را به من توصیه فرموده اند، آیا اجازه می‌دهید که از عسل بیت المال مقداری بردارم. حاضران به گریه افتادند و همه یکصدا موافقت خود را اعلام نمودند و به یک دیگر گفتند: خدا به حال حضرت عمر (رض) رحم کند، او خلفای بعدی را به مشقت انداخت.

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی